

۱۸



حرف اول دوست داری چه شکلی باشی؟

حمیده ملک محمودی

اطراف ما، خانه ما، دوروبر ما به خیلی چیزها نیاز دارد. خورشید باید باشد، حیوانات باید باشند، خانه‌ها و جنگل‌ها و ماشین‌ها و آدم‌ها، همه این‌ها باید باشند.

من فکر می‌کنم همه شکل‌ها قشنگ‌اند و هر کدام نباشند انگار دنیا یک چیزش به هم می‌ریزد.

وقتی بابا و مامان، خودمان، معلم‌ها و دوستان ما می‌فهمند چه کاری را خوب بلدیم، تازه اول راه است. برای این‌که شناخته شویم و با توانایی‌هایمان، خودمان را شکل دهیم. شکل یک نقاش ماهر، یک ورزشکار، یک معلم مهربان، یک مهندس، یک دکتر، یک کشاورز. ما به همه این‌ها احتیاج داریم. مثل خمیربازی‌هایمان که هر بار شبیه آن چیزی می‌شوند که دوست داریم داشته باشیم؛ یا خانه‌مان نیاز دارد.

خدا هم جنس ما را چیزی شبیه خمیربازی‌هایمان قرار داده، اما کارش با خمیربازی ما فرق دارد. او دوست دارد ما خودمان، خودمان را شکل بدهیم.

وقتی شکلی را که ساخته‌ایم و درست در نیامده، خمیربازی‌ها را مثلش صاف‌صاف می‌کنیم و دوباره از اول می‌سازیمش تا خوب‌خوب شکل بگیرد.

جنس ما آدم‌ها اما با خمیربازی فرق هم دارد؛ بلد است فکر کند، راه برود، کتاب بخواند، بپرسد، یاد بگیرد و تلاش کند. اگر همه راه‌های خوب شکل گرفتن را یاد بگیریم، انسانی می‌شویم که دنیا نیازش دارد و خداوند دوستش دارد.

۲۲



۲۸



۴۶



۵۴

